

بررسی شروع داستان در داستانک

با نگاهی به کتاب اپرای قورباغه‌های مرداب خوار

سمیه دولتیان*



* اپرای قورباغه‌های مرداب خوار.

* جواد سعیدی پور.

* چاپ اول، تهران: کاروان، ۱۳۸۷.

چکیده

شروع داستان از نقطه مناسب، از ویژگی‌های یک نویسنده برجسته و تواناست. این مقاله به بررسی این ویژگی در داستان‌های کوتاه کوتاه می‌پردازد. پس از تعریف داستانک، به اهمیت شروع داستان و نحوه شروع در داستانک توجه می‌نماید و با نگاهی به کتاب اپرای قورباغه‌های مرداب خوار، این مسئله را در داستان‌های خیلی خیلی کوتاه این مجموعه بررسی می‌کند. بسیاری از منتقدان و نظریه‌پردازان ادبی، حضور داستان‌های کوتاه و ورود مینی‌مالیسم در ایران را مورد بی‌توجهی و گاهی انکار قرار می‌دهند. این بحث در جامعه ادبیات داستانی کشورمان دارای اختلاف‌نظرهای فراوانی است. با احترام به تمام اختلاف‌نظرها و انکارها، این مقاله شروع داستان در داستانک را مورد توجه قرار می‌دهد و در پایان به نتایج زیر دست می‌یابد:

در داستانک نیز، همچون دیگر گونه‌های ادبیات داستانی، شروع‌های متنوعی را شاهدیم. چون داستانک برای عصر بی‌حوصلگی بشر نوشته می‌شود، باید دارای آغازی قوی و جذاب باشد و در همان آغاز، خواننده را درگیر نماید. در مجموعه اپرای قورباغه‌های مرداب خوار، با آغازهای گوناگونی، از جمله استفاده از گفت‌وگو، توصیف و حادثه روبه‌رو هستیم. برخی از داستانک‌ها با شروع از پایان، خواننده را به دنیای داستان می‌کشانند.

واژگان کلیدی: داستانک، مینی‌مالیسم، آغاز داستان، ساختار، نقد.

داستانک

داستانک، فلشر، داستان کوتاه، داستان مینی‌مال، خرده‌داستان، داستان برق‌آسا، فلش فیکشن (Flash Fiction)، داستان‌های قوطی کبریتی، داستان طرح‌وار (Skeletal Fiction)، داستان لاغر (Skinning Fiction)، داستان آتشین (Furious Fiction)، داستان کوچک (Micro Fiction)، داستان ناگهانی (Sudden Fiction)، داستان برق‌آسای لرزان (Fiction Quake)، داستان تند (Fast Fiction)، داستان کارت‌پستال (Fiction Post Card)، داستان کنسرو شده و ... عنوان‌هایی است که امروزه برای داستان‌هایی به کار می‌رود که هنوز تعریف و چارچوبی کامل و جامع نیافته‌اند.

در تعریف داستانک، اختلاف نظر زیادی به چشم نمی‌خورد. میرصادقی می‌نویسد: «داستانک، داستانی به نثر است که باید از داستان کوتاه جمع‌وجورتر و کوتاه‌تر باشد و از ۵۰۰ کلمه کمتر و از ۱۵۰۰ کلمه بیشتر نباشد» (میرصادقی، ۱۳۶۶: ۲۵۷).

در فرهنگ بریتانیکا آمده است: «مینی‌مالیست به قدری به فشردگی و ایجاز اهمیت می‌دهد که فقط عناصر ضروری اثر را نگه می‌دارد؛ آن هم در کمترین و کوتاه‌ترین شکل. به همین سبب، عریانی واژه‌ها و کم‌حرفی، از روشن‌ترین ویژگی‌های آثار مینی‌مال بیان می‌گردد» (The New Encyclopaedia Britannica، ۱۹۹۴، ۱۵۸).

برخی نیز بر این باورند که تعریف زیر بهترین تعریف داستان مینی‌مال است:

«داستان مینی‌مال نوعی جریان آگاهانه است در جهت خلق آثار داستانی، که از واژگان اندک پدید آمده تا از آن طریق، مباحث و مفاهیم عمیق و پیچیده مطرح شود» (خلخالی استاد، ۱۳۸۵: ۴۰).

بدین ترتیب، مینی‌مالیست که اشاره به کوتاهی و به‌کارگیری ایجاز، از ویژگی‌های داستانک است. با وجود این، در آثار مینی‌مالیست غرب، داستان‌های ۳-۴ صفحه‌ای نیز دیده می‌شود، که بحث درباره‌ی تعریف و ساختار مینی‌مال مقاله‌ای جداگانه می‌طلبد.

شروع داستان

هر داستان از سه بخش مقدمه، تنه و پایان تشکیل می‌شود. شروع یک داستان نقطه بسیار مهمی است. خواننده با خواندن اولین جمله تصمیم می‌گیرد که ادامه دهد یا نه، و در حقیقت این نویسنده است که با انتخاب آنچه می‌تواند داستان شود، او را به خواندن تمام داستان راغب می‌سازد.

شروع داستان آنقدر مهم است که گاهی خود پایه طرخی برای نوشتن داستان می‌شود. داستان به صورت‌های متفاوتی آغاز می‌شود؛ برخی داستان‌ها با توصیف، برخی با گفت‌وگو، بعضی با پرسش و یا حادثه و... شروع می‌شوند. مهم نیست داستان چگونه

آغاز شود. باید آن آغاز به گونه‌ای باشد که گیراترین باشد.

«شیوه نوشتن آغاز داستان به هر شکلی که باشد، قصد و هدف مقدمه داستان بدون تغییر باقی می‌ماند» (وستلند، ۱۳۷۱: ۱۱۷-۱۱۸). خواننده یا قبل آنچه را که نویسنده می‌گوید، می‌داند، یا در طول داستان می‌فهمد و اگر هم نیازی نباشد، نویسنده زیرکانه از آن می‌گذرد. نویسنده اگر بداند چه چیزهایی را نمی‌داند و درباره هر کدام از شخصیت‌هایش چقدر شناخت دارد، بهتر می‌تواند از عهده داستان برآید.

جمالتی که در داستان نوشته می‌شود، نباید تصادفی و الله‌بختکی باشند. کلمات حرف می‌زنند، گله می‌کنند، حادثه می‌آفرینند، می‌خنداند، می‌گریانند و می‌توانند دست خواننده را بگیرند و به آنچه گفته نشده است راهنمایی کنند.

خواننده مثل عابری است که سر صحنه تصادف رسیده است؛ از آنچه می‌بیند، به آنچه ندیده است می‌رسد. حال اگر او یک افسر پلیس باشد، خیلی بیشتر از آنها که حتی موقع بروز حادثه در صحنه بوده‌اند، ندیده‌ها و گفته‌ها را می‌بیند.

نویسندگان بزرگ شروع داستان را نقطه‌ای بسیار حساس می‌دانند که فقط یک نویسنده هنرمند می‌تواند از عهده نوشتن مطلوب آن برآید.

آنتوان چخوف می‌گوید: «داستان باید بلافاصله چنگ در ذهن خواننده بزند و بی‌درنگ او را به قلمرو احساس و افکار خویش بکشاند» (احمدی، ۱۳۷۹: ۴۵).

ادگار آلن پو نیز بیان می‌کند: «اگر نویسنده در همان نخستین جمله، مفهوم مورد نظر خود را مطرح نکند، در همان نخستین قدم شکست خورده است» (احمدی، ۱۳۷۹: ۴۶).

نوع گزینش آغاز داستان بستگی به موضوع داستان هم دارد. این نویسنده است که تصمیم می‌گیرد چگونه آغاز کند تا خواننده را با خود همراه سازد. «انگار داستان‌نویس می‌گوید می‌خواهم داستانی را پیش چشمتان ظاهر کنم که مثل دستمال ابریشمی‌ای که شعیده‌باز از زیر ساعتش درمی‌آورد، مجذوب‌کننده است» (سلیمانی، ۱۳۷۰: ۳۵۶).

شروع داستانک

اختلاف نظر در باب داستانک فراوان است؛ به طوری که گروهی آن را فاقد اصول داستان‌نویسی و عناصر داستانی می‌دانند. گروهی نیز داستانک را عصاره و فشردگی داستان کوتاه می‌دانند. این گروه معتقدند ساختار داستانک همان ساختار داستان کوتاه است و آن را نوعی روایت موجز می‌دانند که همانند داستان کوتاه، همه اجزای آن معطوف به القاء نثری واحد در خواننده هستند.

در داستان‌هایی که ایجاز در آنها حرف اول را می‌زند، به‌کارگیری کلمات و گزینش آنها نقش اساسی دارد. کلمات و واژه‌ها در قامت

یک داستان کوتاه یا مینی‌مال نقش حیاتی دارند و باید جاندار و زنده و پویا و جويا باشند. کلمات بیگانه، مردگانی هستند که خیلی زود محیط را متعفن کرده و هر خواننده‌ای را از خود دور می‌سازند. از این رو، نوشتن داستان‌های مینی‌مال کاری ساده نیست.

پیشروان این سبک معتقدند: «داستان کوتاه با دو ویژگی جزء‌گرایی و اختصار استوار است و نیازی به مقدمات، توصیف‌های اولیه و روشن‌سازی ندارد. در داستان‌های امروزی باید یکبار به قلب موضوع زد و به این ترتیب، همه چیز بدون مقدمه شروع می‌شود» (امین‌الاسلام، ۱۳۸۱: ۵۱).

ارنست همینگوی می‌گوید: «من همواره سعی می‌کنم که بر اساس قانون توده‌های یخ شناور داستان بنویسم. هفت‌هشتم توده یخ زیر آب است و بخش اندکی از آن روی آب می‌باشد» (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۵۸).

دان مارلو، نویسنده داستان‌های معمایی، می‌گوید: «ضروری است که از یک سکوی بلند، مستقیم به وسط داستان بپرید» (فرد، ۱۳۷۷: ۲۰۷).

به نویسندگان مینی‌مال درباره آغاز داستان گفته شده است: «سراغاز داستان نباید زمینه‌چینی و مقدمه باشد. هنگام خلق داستان کوتاه، نباید چندین صفحه را به توصیف گذشته ماجرا اختصاص داد؛ باید راه‌حلی پیدا کرد که تمام ماجرای مهم، در یک پاراگراف گنجانده شود. به همین دلیل، داستان را می‌توان از میانه‌اش آغاز کرد. مردی می‌دود؛ بمبی در حال خنثی شدن است؛ خواننده باید بلافاصله خود را در این فضا احساس کند» (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۶۰).

شروع داستان مینی‌مال را چون سروصدای زمینه‌ای دانسته‌اند که خواننده را به دام می‌اندازد. داستان کوتاه از نقطه‌ای نزدیک به پایان داستان شروع می‌شود (نگ: فرد، ۱۳۷۷: ۲۰۳ و ۲۰۷). «نویسنده داستان مینی‌مال، خواننده را مستقیماً به وسط صحنه داستان می‌اندازد، بی‌آنکه جزئیات را در اختیارش بگذارد و یا راهنمایی‌اش کند» (امین‌الاسلام، ۱۳۸۱: ۷).

داستان کمی قبل از لحظه تحول شروع می‌شود و لحظه تحول، همان لحظه پایان داستان است. این پایان غیرمنتظره و ضربه‌ای، حکایت از توانمندی داستانک دارد؛ زیرا «متن ادبی از راه کند کردن فرایند ادراک خواننده و نیز از راه شوکه کردن او با رویداد یا فرجامی نامنتظر، می‌تواند از پدیده‌های مألوف، آشنایی‌زدایی به عمل آورد و خواننده را به اندیشیدن و تجدید نظر سوق دهد» (پاینده، ۱۳۸۵: ۱۳۵).

فشرده‌گی و کوچکی داستان‌های کوتاه موجب نمی‌شود که داستان از وظیفه‌اش شانه خالی کند؛ موجب نمی‌شود تا پشت کلمه‌های پرمطراق پنهان شود. هرچند برخی این داستان‌ها را انحرافی از داستان کوتاه می‌دانند که در آن تحولی هم ایجاد نکرده است.

معرفی کتاب

اپرای قورباغه‌های مرداب‌خوار، نوشته جواد سعیدی‌پور، در سال ۱۳۸۷ در ۱۲۸ صفحه و در قطع جیبی منتشر گردید. این کتاب شامل ۸۵ داستان کوتاه است که بدون مقدمه و صحبتی از ناشر یا نویسنده، پشت سر هم آورده شده است.

بررسی داستانک‌ها

شروع داستان در داستانک، از صحنه‌های اصلی است. نویسنده فرصت آسمان و ریسمان بافتن ندارد. او به هر نحوی که داستانش را آغاز کند، بی‌درنگ سر اصل موضوع می‌رود. داستانک‌های اپرای قورباغه‌های مرداب‌خوار را از دیدگاه‌هایی متفاوت می‌توان بررسی کرد. ابتدا نحوه به‌کارگیری کلمات را در آنها مورد توجه قرار می‌دهیم. از این منظر، شروع داستان به دو دسته تقسیم می‌شود: شروع با گفت‌وگو، شروع با توصیف.

۱. شروع با گفت‌وگو

داستان‌هایی که با گفت‌وگو آغاز می‌شوند، عموماً داستان‌های بدون راوی هستند (البته جز در بخش حدیث نفس). این داستان‌ها خود به سه گروه تقسیم می‌گردند:

۱. داستان‌هایی که با جمله خبری آغاز می‌شوند.
 ۲. داستان‌هایی که با جمله پرسشی شروع می‌شوند.
 ۳. داستان‌هایی که شخصیت در ذهن به گفت‌وگو می‌پردازد.
- داستان‌هایی که با گفت‌وگو آغاز شده‌اند، غالباً به شیوه نمایشنامه‌ای و به صورت یک گفت‌وگوی دونفره پایان یافته‌اند. گفت‌وگو، عنصری است که نویسنده داستان کوتاه اطلاعاتی درباره زمان، مکان و شخصیت‌های داستان به خواننده می‌دهد. انتخاب جمله آغازین در داستان‌های کوتاه بسیار مهم است. در بیشتر داستانک‌هایی که با جمله پرسشی آغاز می‌شوند، گره داستان را در همان سطر اول شاهدیم. هرچند این شگرد در داستانک‌هایی که با جمله خبری آغاز می‌شوند نیز دیده می‌شود؛ اما در مورد اول پررنگ‌تر است. برای نمونه، شروع چند داستانک آورده می‌شود:
- زن می‌پرسد: «چرا آن انگشتر را دادی به من؟» (انگشتر: ۲۱).
- «کی بت گفته بود جلوی ماشین را بگیر؟» (رئیس جمهور: ۳۰)
- زن پرسید: «سرباز کجایی؟» (ساعت هشت: ۳۴)
- گفت: «چطور می‌خواهید با او زندگی کنید؟» (یک مکالمه تلفنی: ۱۰۰).

نویسنده به خوبی تشخیص داده است با نوشتن چه جمله‌هایی می‌تواند چنگ در ذهن خواننده بزند. ۲۹ داستان (۳۴/۱۱ درصد) این مجموعه با گفت‌وگو آغاز شده است. ۲۰/۶۸ درصد از این داستانک‌ها با پرسش، ۴۴/۸۲ درصد با جمله‌های خبری و ۳۴/۴۸ درصد با حدیث نفس آغاز می‌شوند. «خرزهره» تنها داستانک این مجموعه است که با یک نامه آغاز می‌شود.

۲. شروع با توصیف

وقتی از شروع با توصیف در داستانک سخن می‌گوییم، نباید انتظار داشته باشیم که شاهد توصیف‌هایی طولانی باشیم، نظیر آنچه در آغاز رمان بیدادگوریو می‌بینیم. توصیف در داستانک در یکی - دو جمله و گاهی در چند کلمه پایان می‌یابد. توصیف‌های آغاز داستانک‌های ایرانی قورباغه‌های مرداب‌خوار به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. توصیف شخصیت

۲. توصیف فضا (شامل توصیف مکان و گاهی اشاره‌ای به زمان) البته نباید تصور شود در هر کدام از داستان‌هایی که با یکی از این توصیف‌ها آغاز می‌شود، خبری از دیگری نیست؛ بلکه به دلیل کوتاهی قامت داستانک‌ها، گاهی چنان این توصیف‌ها در هم تنیده می‌شوند که به سختی می‌توان یکی را بر دیگری رجحان داد. نویسنده، بی‌طرف با شخصیت‌های داستان و حوادث روبه‌رو شده است. توصیف‌ها با تمامی کوتاهی‌شان، خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهند. توصیف‌ها زنده و جاندار هستند و بغض یا لبخندی را به خواننده هدیه می‌کنند.

۵۳ داستان (۶۲/۳۵ درصد) با توصیف آغاز شده‌اند. ۶۹/۸۱ درصد از این داستانک‌ها با توصیف شخصیت و ۳۰/۱۸ درصد با توصیف فضا آغاز می‌شوند.

۳. شروع با حادثه

شروع داستانک به هر صورتی که باشد، می‌تواند آستان حادثه‌ای باشد. این حادثه گاهی از طریق گفت‌وگو و گاهی از طریق عمل وارد دنیای داستان می‌شود. داستانک مجال را برای صغری کبری چیدن‌های متداول رمان و داستان بلند ندارد. زود آنچه که نیاز است را بیان می‌کند و خواننده را تنها می‌گذارد. داستانک‌های ایرانی قورباغه‌های مرداب‌خوار، با آنکه در نگاه اول ساده به نظر می‌رسند، اما بستری برای تولد حوادث گوناگون شده‌اند. برخی همچون «مینی‌مال به چه درد می‌خورد؟» (۳۶)، «سه‌شنبه» (۳۷)، «تا باران آمد و زمین را خیس کرد» (۵۵)، «داماد» (۸۱)، «۹۳ تا گوسفند» (۸۵)، «رئیس پاسگاه» (۱۰۸)، دارای شیب تندی از حوادث هستند و خواننده را با داستان درگیر می‌سازند. حوادث داستان‌های این مجموعه، درگیری‌های روانی، اجتماعی و خانوادگی هستند. خواننده، گاهی خود و گاهی اطرافیانش را در داستانک‌های این مجموعه به تماشا می‌نشیند.

۴. شروع از آخر

شروع از آخر داستان، شگردی است که بسیار مورد توجه نویسندگان داستانک و مینی‌مال است. این شگرد، علاوه بر آنکه گره داستان را به وجود می‌آورد، شوق خواننده را برای خواندن داستان بیشتر می‌کند.

در مجموعه ایرانی قورباغه‌های مرداب‌خوار، نیز این شگرد در داستانک‌های «نصفه‌شب» (۲۹)، «رئیس‌جمهور» (۳۰)، «پرونده» (۴۸)، «کوچه خلوت» (۶۹)، «سنگ قبر» (۸۷)، «پارکینگ» (۹۳)، «رقص» (۹۸)، «اگر من یک مرد پولدار بودم» (۱۱۰)، «آیه‌های یأس» (۱۱۲) به کار گرفته شده است.

سخن پایانی

با آنکه سعی گردید داستانک‌های این مجموعه از زاویه‌های گوناگون بررسی شود، اما شاید هنوز حرف‌های ناگفته بسیاری در این زمینه وجود داشته باشد. داستانک‌های «درس‌هایی درباره خودکشی» (۳۱)، «شما دست بزنید» (۴۴)، «نمی‌توانی ندیده‌اش بگیری باد منتظری که دور و برت پرسه می‌زند» (۴۷)، «راه رفتن» (۴۹)، «دلقک» (۷۰)، «سفارش» (۷۵)، «طلاق» (۸۴)، «در و دیوار» (۹۷) به قدری کوتاه‌اند که اگرچه می‌توان نوع استفاده از کلمات را در آغاز آنها بررسی کرد، اما سعی در پیدا کردن مقدمه داستانی آنها، همچون بیشتر داستان‌های مینی‌مال، کاری بیهوده است. می‌توان طبق اصل هرمنوتیک، حرف‌هایی زد؛ اما این حرف‌ها دردی از این نوزاد درمان نمی‌کند. مینی‌مال کاری به نظر منتقد ندارد؛ او از طرف خوانندگان مورد توجه قرار گرفته است و به حیات خود ادامه می‌دهد.

پی‌نوشت

* دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی.

کتابنامه

- احمدی، نصرالله، ۱۳۷۹، ساختار داستان کوتاه، شیراز: مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشاراتی میرزای شیرازی (امیدواران).
- امین‌الاسلام، فرید، ۱۳۸۱، نگرشی بر داستان‌های مینی‌مالیستی. بی‌جا: همدا.
- پارسی‌نژاد، کامران، ۱۳۸۲، «داستان کوتاه مینی‌مالیسم یا داستان کارت‌پستال». ادبیات داستانی، ش ۷۴.
- پاینده، حسین، ۱۳۸۵، نقد ادبی و دمکراسی (جستارهایی در نظریه و نقد ادبی جدید). تهران: نیلوفر.
- خلخالی استاد، فاطمه، مهر و آبان ۱۳۸۵، «درباره مینی‌مالیسم». الفبا، ش ۱۴.
- سعیدی‌پور، جواد، ۱۳۸۶، ایرانی قورباغه‌های مرداب‌خوار. تهران، کاروان.
- سلیمانی، محسن (مترجم)، ۱۳۷۰، فن داستان‌نویسی. تهران: امیرکبیر.
- فرد، رضا (مترجم)، ۱۳۷۷، فنون آموزش داستان کوتاه. تهران: امیرکبیر.
- میرصادقی، جمال، ۱۳۶۶، ادبیات داستانی. تهران: شفا.
- وستلند، پیتر، ۱۳۷۱، شیوه‌های داستان‌نویسی. ترجمه محمدحسین عباسپور تمیجانی. تهران: نشر مینا.
- New Encyclopaedia Britannica. Chicago. - Fifteenth Edition